

راج کاپور در صحنه‌ای از فیلم آواره

ظهور راج کاپور

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ترجمه: ارغوان اشتیری

آغاز کرد. اگر چه فیلم از نظر گیشه با موفقیت چندانی روبرو نشد، اما نشان داد که او دارای استعداد زیادی است. راج کاپور توانایی و تمایل مواجهه شخصی با مقوله فیلمسازی را داشت.

در این فیلم توگس نقش اصلی زن را عهده‌دار بود، او که قبلاً ستاره‌ای مطرح محسوب می‌شد با این فیلم تصویر جدیدی از خود را به نمایش گذارد.

بارسات دومین تجربه فیلمسازی راج کاپور و موفقیت پررزمندانه او است: استفاده بدیع از موسیقی خوش آهنگ که بر این رمانتیسیم ظریف حاکم است، سهم زیادی در موفقیت فیلم دارد. بازیگران بارسات نشان دادند که لیاقت مطرح شدن و پیشرفت در فیلمهای بعدی سینمای هند را دارا هستند. آهنگسازان موفق بارسات، شانکار و چیکیشان و شاعران فیلم: سیلندرا، حسرت جی‌پور، با این فیلم خود را به دنیای هنر معرفی کردند.

در بارسات، راج کاپور از کشمیر به عنوان زمینه داستان استفاده کرد که تلاوی فیلم بود. بعدها کاربرد کشمیر بعنوان زمینه داستان کلیشه شد.

زمانیکه راج کاپور آخرین سکانس‌های بارسات را

پریث ویراج از کمپانی فیلم امپریال استعفا داد و به کمپانی فیلم اندرسون که وظیفه به روی صحنه آوردن نمایشنامه‌های شکسپیر را داشت، ملحق شد. او در قالب ۱۵ شخصیت گوناگون نمایشنامه‌های شکسپیر، در سرتاسر هند ظاهر شد و ...

بدون تردید راج کاپور تحت تأثیر پدرش قرار داشت و برای پریث ویراج نظریات، بینش و سبک زندگی‌اش تعیین‌کننده و ضروری بودند.

راج کاپور قبل از ورود به دنیای سینما، وارد کار تئاتر شد. او در قسمتی از ویدئوشاکا در شاگنتلا ایفای نقش کرد، همچنین رل خدمتکار دامو را در درام بحث‌انگیز پدرش دیوار به عهده داشت. در ۲۲ سالگی اولین حضور بااهمیت خود را به روی پرده نقره‌ای با بازی در نیل کمال اثر کدار شرما اعلام کرد. سپس به نقش آفرینی در فیلمهای چرن چیترا ویجی، دل کی‌وانی، امرپریم و جیل پاترا که هیچکدام فیلمهای باشکوه و مطرحی در دنیای سینما نیستند، پرداخت.

راج کاپور در ۱۹۴۸ زمانیکه تنها ۲۳ سال داشت، اولین تجربه کارگردانی و تهیه‌کنندگی خود را با فیلم انگ

زمانیکه راج کاپور فیلمسازی را آغاز کرد، بدون شک تحت تأثیر فضای سینمای آن زمان بود.

راج کاپور بیشتر از فرضیات، قواعد، کدها و سبکهای رایج آن زمان بهره می‌برد تا شیوه مورد توجه‌اش. برای شناخت بیشتر او به عنوان فیلمساز، ابتدا توجه را به پدر وی، پریث ویراج کاپور که بطور عمیق و تعیین‌کننده‌ای روی راج نفوذ داشت، جلب می‌کنیم.

پریث ویراج نام خود را به عنوان مرد تئاتری و شهروندی متمهد در تاریخ ثبت کرد.

پریث ویراج متولد پیشاور (بخشی از پاکستان فعلی) بود. بعد از فراغ از تحصیلات دانشگاهی، زمانیکه به مطالعات خود در مقوله «حقوق» ادامه می‌داد، ناگهان رشته‌اش را برای بازیگر شدن رها کرد. در ۱۹۲۹، به بمبئی رفت و به عنوان بازیگر به استخدام کمپانی فیلم امپریال درآمد.

در آغاز کارش، نقشهای خوب و جان داری به او پیشنهاد نمی‌شد، اما پس از مدتی استعدادهایش را به اثبات رسانید و ایفاگر نقشهای اصلی شد.

پریث ویراج کاپور لاین شهرت بی‌حساب برای سبک جالبش بود. زمانیکه «دیالوگ» وارد صنعت سینما شد، او دقت بیشتری در زمینه بازیگری مبدول داشت.



اگرچه فیلم در بطن خود روایت عاشقانه‌ای را می‌پروراند اما در بسیاری از صحنه‌ها اراذل و اوباش وسیله‌ای برای رساندن پیام فیلم هستند. در رام توری گانگا او بازیگر

جدیدی را به نام ماندا آکینی به دنیای هنر معرفی کرد. ماندا آکینی توانست علاقه سینما روها را به خود جذب کند.

راج کاپور، نه تنها در هند بلکه در سرزمین‌های دیگر نیز یک «سوپر استار» است. لقبی که تعداد انگشت شماری

با آن مخالفتند. هیچ بازیگر و کارگردان هندی نتوانسته است به شهرت بین‌المللی که او به آن دست یافته، برسد. راج کاپور در کشور خود و در بسیاری از کشورهای دیگر

مهمترین جوایز را از آن خود کرد. هدف او، نزدیکی با توده مردم از طریق تلفیق هنر سینما با تهذیب اخلاق بود. گرچه فیلمسازانی چون ساتیا جیت رای، دیتویک گهتاگ، مویتال سن و بسیاری از دیگر کارگردانان جوان در پیوند خود با سینما در جستجوی خلق سینمای هنری هستند. اما راج کاپور در جلوی تمامی آنان با نوع سینمای مشهور خود به پیش می‌تازد. او در مبارزه برای ساخت فیلمهای مشهوری است که بتواند توده مردم را سرگرم سازد.

همانطوریکه ظهور راج کاپور را بررسی کردیم، دیدیم او ساخت نوعی فیلم فرهنگی را آغاز کرد که توانست هویت متمایز آن را استحکام ببخشد.

او برای گسترش ساخت این نوع فیلمها سوه استفاده از رغبت تماشاگر به رمانتیسیم، موسیقی و آمیزش آنها می‌کرد برای القاء پیامی اجتماعی که خط تأییدی بر اهمیت سنت‌ها داشت.

شش سال بعد او اسم من دلچک را که بسیاری آنرا زندگی نامه شخصی اش می‌دانند به دنیای هنر عرضه کرد.

در این فیلم راج کاپور در تلاش است. بیش خود را از زندگی به تصویر بکشد. اسم من دلچک با شکست تجاری روبه‌رو شد. شاید، تماشاگران او را در ایفای نقش اصلی فیلم تا اندازه‌ای پیر دیدند. بعلاوه حالت رقت بار، تیرگی و خود دلسوزی که در فیلم مشاهده می‌شود، ثابت می‌کند که اسم من دلچک برای انبوه بینندگان، فیلم نامطموعی است. به همین دلیل، اکثر سینما روهای جامعه هند از فیلم استقبال نکردند. برای مدتی روح راج کاپور از این عدم موفقیت در هم شکست.

اما او قوی‌تر از آن بود که خود را تسلیم نومیدی و شکست کند. پس تصمیم گرفت با همکاری فیلمنامه نویسنش ک.ر. عباس تجربه جدیدی را بیازماید. فیلمی که بتواند ذهن و روح تماشاگران جوان را تسخیر کند. نتیجه این تلاش بومی است که در ۱۹۷۳ تولید شد. بدون شک، بومی موفقیتی قریب‌الوقوع بود. فیلم درباره ماجرای عاشقانه دو جوان است که توانست پدیده‌ای جذاب برای جوانان جامعه هند شود. پنج سال بعد راج کاپور، «ساتیام» شیوام، سوندرام» را تهیه و کارگردانی کرد فیلمی که تمی عالی درباره زیبایی درون انسانها دارد.

در ۱۹۸۲ او پریم راگ را ساخت، فیلمی که به معزل ازدواج مجدد زنان بیوه در جامعه هند می‌پردازد و تزویر و رفتار غیرانسانی را توصیف می‌کند که در تلاش برای حفظ کردن زنان بیوه در حالت دائمی استیضاف است. در ۱۹۸۵ رام توری گانگا را به بازار عرضه کرد. که بطور سببلیک سعی در بر ملا کردن فساد و دروغ در جامعه نوین هندی دارد.

می‌ساخت، ایده سرمین فیلم در ذهنش نقش بست. خط اصلی داستان فیلم را که.ر. عباس به راج کاپور پیشنهاد کرد که آواره نامگذاری شد.

در این فیلم، راج کاپور کاراکتری چاپلینی و ولگرد را خلق می‌کند. شخصیتی که یک شبه ره صد ساله پیمود و به شهرت رسید. آواره روایتی عاشقانه است، که در تلاش لقاها این پیام به تماشاگر است که «جامعه تأثیر سرنوشت سازتری نسبت به وراثت» در شکل‌گیری شخصیت افراد دارد.

آواره نه تنها در هند بلکه در دیگر کشورهای جنوب آسیا، چین، خاورمیانه، اتحاد جماهیر شوروی و حتی اروپای شرقی به موفقیت چشمگیری دست پیدا کرد. می‌گویند آواره فیلم محبوب مائو سه تونگ بوده است. بعد از این موفقیت پیروزمندانه، راج کاپور که دقیقاً با کاراکتر «ولگرد» شناخته شده بود، در بسیاری از فیلمهای بعدی‌اش چون آقای ۴۲۰، جاگته راهو، جیس دس مین گانگابتی‌های و اسم من دلچک این شاخص را به تصویر کشید.

فیلم بعدی کاپور، آقای ۴۲۰ نام دارد. اگر ولگرد فیلم آواره در محله فقیرنشین رشد کرده بود در آقای ۴۲۰ فردی تحصیلکرده با مدرک لیسانس و بیکار است.

موسیقی فیلمهای آواره و آقای ۴۲۰ بی‌نهایت مشهوراند و آوازهای چون آواراهون و میرا جوتاهه جاپانی در چین، اتحاد جماهیر شوروی و دیگر کشورهای خاورمیانه معروفیت دارند. در ۱۹۹۴، راج کاپور، سنگام را ساخت. فیلمی که نظیر آن در اروپا بسیار ساخته شده بود.

سنگام نیز فیلم بسیار موفقیتی از آب درآمد. سکانس‌های اروپایی فیلم در این جذابیت بی‌تأثیر نبودند.

آواره - ۱۹۸۱

وقتی که ریتا قاضی راگانان را مورد خطاب قرار می‌دهد و درباره گذشته از او می‌پرسد هیجان و سروصدا فضای دادگاه را پر می‌کند. بازپرسی درباره زن بی‌گناه قاضی است که او را سالها پیش از خانه بیرون انداخته، در حالیکه حامله بوده. بعدها پسری به دنیا آورده است. بقیه داستان فیلم درباره زندگی غم‌انگیز این پدر و پسر است. قاضی راگانان یک محافظه کار سرسخت و کله‌شق

است که معتقد به این است که فرزند یک نجیب‌زاده حتماً فرد مشخصی می‌شود و پسر یک چنایتکار، چنایتکار. این عقیده قاضی به بی‌رحمانه‌ترین وجهی در طی حوادث متعدد داستان فیلم رنگ می‌بازد. و از بین می‌رود.

بهاراتی، همسر قاضی را «جاگودا کو»ی چنایتکار می‌رباید و بعد او را برمی‌گرداند. اما شایعات و اخبار ضد و نقیض ربه‌ده شدن همسر قاضی همه جا پخش می‌شود. مخصوصاً در مورد حاملگی او که حرفهای پاره و مضامین مهوعی تری دهنها می‌افتد. وقتی قاضی از این شایعات به تنگ می‌آید همسرش را از خانه بیرون می‌کند، در حالیکه باران می‌بارد و گل و لای همه جا را پوشانده. بهاراتی فرزندش راج را به دنیا می‌آورد و بعد به بمبئی می‌رود. در بمبئی سعی می‌کند راج را به گونه‌ی بزرگ کند که درخور و شایسته پسر یک قاضی باشد. بهاراتی او را به مدرسه می‌گذارد. راج در مدرسه عاشق ریتا می‌شود. روز تولد ریتا به خاطر نداشتن پول برای خریدن هدیه مجبور می‌شود برای نشان دادن احساسش تنها شاخه گلی به او بدهد.

راج را به خاطر نداشتن پرداخت شهریه از مدرسه



اخراج می‌کنند (گرچه برای اسرار معاش واکسی شده است) بعد از اخراج از مدرسه، با جاگودا کو آشنا و بعد هم گرفتار کارهای خلاف و بزرگ او می‌شود. زمان می‌گذرد تا اینکه دوباره ریتا را می‌بیند، حالا ریتا پدر و مادرش را از دست داده و با قاضی راگانان در بمبئی زندگی می‌کند. همانطور که یک عشق واقعی مسیر خود را طی می‌کند تا به نتیجه برسد.

اینک قاضی راگانان در قصر بزرگ و مجلل‌اش روز به روز فرسوده‌تر و تکیه‌تر می‌شود. وقتی راج می‌بیند نمی‌تواند از دست جاگودا کو خود را خلاص کند او را می‌کشد. ریتا از تمام وجودش برای دفاع از راج مایه می‌گذارد و بالاخره بعد از کش و قوسهای متعددی حقیقت قضایا روشن می‌شود.

آقای ۴۲۰ - ۱۹۷۵

آقای ۴۲۰ نامش را از بند ۴۲۰ قانون جزایی هند می‌گیرد. این بند از قانون نحوه مجازات کلاه‌برداری، سرقت، شادی و قتل را بیان می‌کند. مرد جوانی به نام راجو مانند هزاران نفر دیگر به شهر بزرگ بمبئی می‌آید تا شانس خود را امتحان کند و آینده خود را بسازد. راجو لیسانسه است و مدالی هم برای صداقتش گرفته و آماده است تا با تمام تیریش به کار بپردازد. اما کاخ آمال و آرزوهایش در هم می‌ریزد، گدایی به او می‌گوید که در این شهر جایی برای افراد تحصیل کرده و شرافتمند وجود ندارد. با تمام اینها راجو می‌بیند همه قسای قلب و ایرادگیر نیستند، موزفروشی به او می‌دهد و راجو مدالش را گرو می‌گذارد و این اولین برخوردش با ویدیا است (ویدیا

زمانیکه راج کاپور فیلمسازی را آغاز کرد، بدون شک تحت تأثیر فضای سینمای زمان خود بود. وی بیشتر از فرضیات، قواعد، کدها و سبکهای رایج آن زمان بهره می برد تا شیوه مورد توجه اش.

معلم فقیری است که پدر افلیچی دارد) درست در همین زمان جیب برهای خیابانی جیش را می زنند و پول مدال گرو رفته را می برند. وقتی می خواهد در پیاده رو بخوابد کنکش می زند که چرا جای دیگری را غصب کرده که بار دیگر موزفروش به کمک او می آید، حالا او جایی برای گذراندن شب دارد، در محوطه پستی برجها و آپارتمانهای «ست هی جی»، یک سرمایه دار که بعدها راجو درگیر کارهای این مرد طماع و پول پرست می شود.

برخورد او با ویدیا در واقع برای راجو نوعی خوش اقبالی است. راجو موفق می شود علیرغم یک سری مشکلات ابتدایی در یک خشک شویی کار پیدا کند. راجو و ویدیا شیفته هم می شوند، در پیاده رو جای می خورند (کنار دکه چای فروشی) و باران می آید و بعد هر دو از یک چتر استفاده می کنند و (شادی و اندوه در بیینی). به نظر می آید که آینده خوب و روشنی در انتظارشان باشد.

ولی راجو به طرف کارها و دوستهای ناباب کشیده می شود. این ماجرا موقعی که او رفته است چند لباس را به صاحبش در هتل تاج محل بدهد آغاز می شود. در آنجا با زنی خونگرمی به نام مایا دوی آشنا می شود. این آشنایی بعدها از راجو یک قمارباز حرفه ای می سازد، دیگر لازم ندارد از خشک شویی لباس گریه کند چون درآمدش فوق العاده است. برای ویدیا زر و زیور می خرد و او را به تاج محل می برد، با دوستان جدید آشنایش می کند. ویدیا، ساده دل از اینکه اینقدر راجو او را می پرستد احساس ناراحتی می کند. همچنین در مقابل مردمی پوچ و تهی که فقط به آب و رنگ و جلوه فروشی اهمیت می دهند هم ناراحت و هم معذب است. زمان جدایی اش از راجو فرا می رسد. پول، ذهن و فکر راجو را مسموم کرده است، به نظر ویدیا او دیگر شرافتمند نیست و به زمانی که راجو فقیر بود اشاره می کند، زمانیکه هیچکس او را کمک نکرد. حالا او پولدار است و همه به او احترام می گذارند چطور می تواند به همین سادگی این نوع زندگی را کنار بگذارد.

ست هی جی وقتی متوجه می شود راجو اشرافزاده نیست ناراحت می شود ولی بعد به او پیشنهاد کار می دهد. یک شرکت قلابی برپا می کند و سهام آن را به افراد فقیر و بی خانمان با وعده و وعید اینکه برای شما خانه های ارزان قیمت می سازیم می فروشند. وقتی که راجو می فهمد که ست هی جی می خواهد سر همه کسانی که با زحمت و براررت پول تهیه مسکن شان را تهیه کرده اند کلاه بگذارد، متقلب می شود. اما ست هی جی، راجو را تحت نفوذ و سلاطه خویش در آورده زیرا در تمام مدتی که راجو کارهای خلاف انجام می داده علیه او پرونده سازی کرده و دائم به راجو گفته است که پرونده او را تمیز و پاک نگه داشته است. در صورتیکه راجو می داند طبق بند ۴۲۰ بازداشت خواهد شد لذا راجو از خواب غفلت بیدار می شود و به اعمال خلاف و مکارانه ست هی جی پایان می دهد.

سینمای هند و لوکیشن های خارجی

ایوب خان، مامتا کولکارنی و مانیک بدی نه اولین و نه آخرین بازیگران هندی هستند که برای فیلمبرداری صحنه هایی از فیلم جدید خود راهی اروپا می شوند.

فیلم جان جگر نام دارد و توسط شرکت فیلمسازی «صحنه پروداکشن» تولید می شود. فیلم یک اثر رومانتیک، و شبیه بسیاری از دیگر فیلمهایی است که همه ساله در هند در سطح وسیعی ساخته شده و به روی پرده سینماها می رود. جان جگر که مثل دیگر فیلمهای هندی ملنهای از درام، کمدی، رقص و آواز، دعوا و درگیری، اکشن، صحنه های ملودرام و ... است. قصه یک مثلث عشقی را تعریف می کند.

راوی کاراکتر اصلی فیلم دلباخته مینو قهرمان زن فیلم است. اما به زودی متوجه می شود ویچی دوست صمیمی او هم دلباخته مینو شده است. او جوانمردی کرده و پای خود را از ماجراجوئی می کشد و امکان ازدواج او با مینو را فراهم می کند. همین یک خط قصه، چیزی نزدیک به یک ساعت و نیم فیلم را در برمی گیرد. اما این پایان ماجرا نیست. برای اینکه تماشاچی لذت بیشتری ببرد، یک گره بزرگتر در فیلم افکنده می شود.

ویچی که با عوامل منفی فیلم درگیر است. در یک سکانس مهیج و خوش ساخت و سراسر زدوخورده، به دست «بدمن» های فیلم به قتل می رسد. حالا نوبت راوی است که وارد ماجرا شده، هم عوامل منفی را سر جای خود بنشانند و هم انتقام خون دوست صمیمی اش را بگیرد. در پایان ماجرا او برنده نهایی ماجراست.

ایوب خان در نقش راوی، مامتا کولکارنی در نقش مینو و مانیک بدی در نقش ویچی بازی می کنند. هر سه بازیگر از جمله بازیگران جوان سینمای هند هستند که طی چند سال اخیر به موفقیت هایی دست پیدا کرده اند.

طبق معمول همه فیلمهای هندی، بخش اعظم صحنه های فیلم در داخل استودیوی بزرگ فیلمسازی در بمبئی فیلمبرداری شده است. بیست درصد باقیمانده که عموماً صحنه های بیرونی هستند در سوییچ فیلمبرداری می شوند. سازندگان فیلم فقط عوامل اصلی را همراه خود برده اند و به قول معروف بار اضافه ای همراه خود ندارند. همین تعداد اندک هم برای ۱۰ روز حضور در سوییچ، خرج زیادی بر گردن تهیه کنندگان می گذارند!

کاراکتر اصلی فیلم که لباس سفیدی به تن دارد، منتظر شروع کار است. کارگردان دستور حرکت می دهد. همزمان صدای موسیقی از بلندگوها پخش می شود و بادبزن بزرگی که در بیرون از کادر قرار دارد شروع به کار می کند. باد بادبزن، موهای مرد را به هم می ریزد. یک تکه آواز فیلم ضبط می شود. این چندمین باری است که این صحنه فیلمبرداری می شود. پس از پایان فیلمبرداری، معلوم می شود کارگردان این بار از صحنه راضی است.

گروه سازنده برای فیلم نقطه ای دور افتاده از سوییچ را انتخاب کرده اند که هم دشت وسیعی دارد و هم آدمهای کمتری در دور و بر آن هستند. خلوت بودن محیط کمک می کند تا فیلمبرداری سریعتر و راحت تر انجام گیرد.

حدود ۱۰ سال قبل سوییچ به عنوان یک لوکیشن خوب از سوی یکی از گروه های فیلمسازی کشف شد. از آن زمان تاکنون این کشور میزبان بازیگران مطرحی چون سری دوی، آنیل کاپور، مادوری دیکشیت، سانی دتول و ... بوده است.

بهترین فیلمهای رنگ در سال ۱۹۹۷

جدا و دومین در مراسم جوایز فیلم فیر

بهار امسال چهل و دومین دوره مراسم سالانه جوایز فیلم فیر در هند برگزار شد. این مراسم که هر سال از سوی ماهنامه قدیمی و معتبر فیلم فیر برگزار می شود، هم اکنون مطرحترین مراسم داخلی سینمایی در کشور هند است. این مراسم که هر سال به طور مستقیم از شبکه سراسری تلویزیون هند پخش می شود، اولین بار در سال ۱۹۵۵ برپا شد. هنرمندان سینمای هند ارزش فراوانی برای این جایزه قایلند. در حقیقت این جوایز پاسخ هندی صنعت سینمای هند به مراسم معروف اسکار است. مجله فیلم فیر جوایز سال ۱۹۹۷ را به هنرمندان و

چهره های زیر اهدا کرد.

بهترین فیلم سال: راجا هندوستانی

دیگر نامزدها: خاموشی، کبریت، آگنی ساکشی، ملکه راهزنان

بهترین بازیگر مرد: امیوخان (راجا هندوستانی)

دیگر نامزدها: نانا پاته کار (فیلمهای خاموشی و آگنی ساکشی) گوویندا (ساجن چال ساسورال) سانی دتول (چاناک)

بهترین بازیگر زن: کاریشما کاپور (راجا هندوستانی)

دیگر نامزدها: جوهری چاولا (دارار) مانیشا کورالا (خاموشی) تابو (کبریت) سیما بیسواز (ملکه راهزنان)

بهترین کارگردان: شکار کاپور (ملکه راهزنان)

بهترین بازیگر زن نقش مکمل: ریکا (کیلاریون کاکیلاری)

دیگر نامزدها: تابو (جیت) او در این نقش، نقش کوتاهی را به عنوان بازیگر میهمان بازی کرد (سیما بیسواز (خاموشی)

هلن (خاموشی) آرچانا یورانسینگ (راجا هندوستانی)

بهترین بازیگر مرد نقش مکمل: آمیش پوری (گنگ)

دیگر نامزدها: سلمان خان (جیت) جکی شروف (آگنی ساکشی) ام پوری (کبریت)

بهترین بازیگر تازه کار زن: سیما بیسواز (ملکه راهزنان)

بهترین بازیگر تازه کار مرد: چاندرا چور سینگ (برای دو فیلم کبریت و تره مره سانه)

جایزه ویژه فیلم فیر به: گوویندا

جایزه منتقدین به: مانیشا کورالا (برای خاموشی، به عنوان بهترین بازیگر)

جایزه منتقدین به بهترین فیلم: خاموشی

جایزه یک عمر فعالیت سینمایی به: درمندرا و ممتاز دو بازیگر کلاسیک سینما

بهترین فیلمبرداری: آشوک مهتا (ملکه راهزنان)

بهترین موسیقی متن: راج کومار سانتوشی (گنگ)

بهترین فیلمنامه: گلزار (کبریت)

بهترین کارگردان هنری: نیتین رسای (خاموشی)

بهترین تدوین: وی. آن. مایکار (گنگ)

بهترین صدا برداری: جیتندرا چوداری (خاموشی)

بهترین کارگردان صحنه های اکشن: اکبر بخشی (کیلا ریون کاکیلاری)

بهترین موسیقی متن: ندیم و شروان (راجا هندوستانی)

بهترین شعر: جاوید اختر (پاپا کاته، هین)

بهترین خواننده مرد: آدیت نارایان (راجا هندوستانی)

بهترین خواننده زن: کاریتا کوریشنا مورتی (خاموشی)

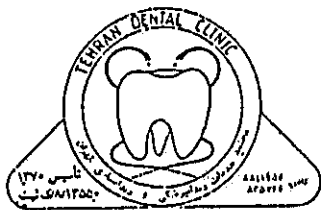
بهترین حرکات موزون: چینی پرکاش (دکشک)

مجتمع خدمات دندانپزشکی و دندانسازی تهران

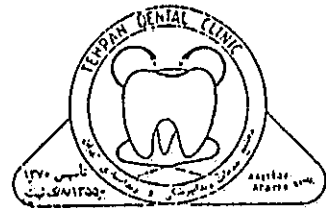
TEHRAN DENTAL CLINIC

مجتمع خدمات دندانپزشکی و دندانسازی تهران با کادری ورزیده (اعضای جوامع دندانپزشکی اروپا و آمریکا) مجهز به بخش‌های ترمیمی - معالجه ریشه (روت کانال) - ساخت دندان‌های مصنوعی، پروتزهای ثابت و متحرک - ارتدسنسی - جراحی دهان - اطفال - کاشت دندان و زیبایی و دارای لابراتوار مدرن دندانسازی می‌باشد. این مجتمع به اطلاع می‌رساند جهت پذیرایی از بیماران محترم از ساعت ۸ صبح الی ۸ شب در تمام ایام هفته به جز تعطیلات رسمی، آماده ارائه خدمات فوق می‌باشد.

بخشی از وزارتخانه، نهادها، سازمان‌ها، دانشگاه‌ها، ارگانها و کارخانجات طرف قرارداد با مجتمع خدمات دندانپزشکی و دندانسازی تهران از این قرار است:



۳۰٪ تخفیف ویژه برای هنرمندان سینما و تئاتر



دفتر امام خمینی (قدس سره)

- کارخانجات صنعتی بهشهر - کارخانجات صنعتی ارج - شرکت‌های ذوب آهن جمهوری اسلامی ایران - کلیه کارخانجات داروسازی تهران بزرگ
- دانشگاه‌ها: امام صادق (ع) - شهید بهشتی - امیرکبیر - تربیت مدرس - هنر - خواجه نصیر طوسی - صنعتی شریف - علم و صنعت ایران - علامه طباطبایی
- بانک‌ها: مرکزی - تجارت - ملی - ملت - مسکن - رفاه کارگران - کشاورزی - صنعت و معدن - صادرات - توسعه صادرات - سپه
- بنیادها: علوی - مستضعفان - مسکن - پانزده خرداد - کمیته امداد امام خمینی (ره)
- نشریات: روزنامه‌های کثیرالانتشار - گزارش - صفحه اول - جمهوری اسلامی - سینما تئاتر
- سفارتخانه‌ها: انگلستان - کانادا - فنلاند و کلیه سفارتخانه‌های آسیای میانه.
- مراکز هنری: خانه سینما
- نهادها: معاونت امور اجرایی ریاست جمهوری - معاونت ریاست جمهوری (سازمان تربیت بدنی) معاونت ریاست جمهوری (سازمان برنامه و بودجه)
- وزارتخانه‌ها: اقتصاد و دارایی - پست و تلگراف و تلفن - نیرو آموزش و پرورش - نفت - معادن و فلزات - امور خارجه فرهنگ و ارشاد اسلامی - جهاد سازندگی - وزارت کشور دادگستری قوه قضائیه (کلیه مجتمع‌های قضایی تهران) بازرگانی - فرهنگ و آموزش عالی - صنایع سنگین - کار و اموراجتماعی - مسکن و شهرسازی - دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح - راه و ترابری - تعاون - استانداری تهران
- سازمان‌ها و شرکت‌ها: تبلیغات اسلامی - دادسرای انقلاب - قضایی نیروهای مسلح - ثبت اسناد و املاک کل کشور - شرکت توانیر - نهضت سواد آموزی - مخابرات - پست کل کشور - انتقال خون - اوقاف - بیمه البرز - بیمه ایران - بیمه آسیا - بیمه دانا - سازمان هلال احمر جمهوری اسلامی ایران - سازمان مدارس غیرانتفاعی - سازمان بازرسی کل کشور - توزیع برق مناطق تهران - هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران (هما) - برق منطقه‌ای تهران بزرگ - راه آهن جمهوری اسلامی ایران

مرکز شماره ۱: میدان هفت تیر (ضلع غربی) - خیابان تابنده (شهید سرتیپ لطفی) - پلاک ۳/۳ - ساختمان تک - طبقه هشتم. تلفن: ۸۸۴۱۵۶۹

مرکز شماره ۲: خیابان انقلاب - چهارراه ولی عصر - جنب پارک دانشجو - به طرف کالج - پلاک ۱۱۳۰ - طبقه همکف - تلفن: ۶۷۵۵۸۸